

# ساختار قضایای منطقی

## از دیدگاه فلاسفه و منطقدانان مسلمان

مقصود محمدی<sup>(۱)</sup>

### چکیده

قضیه منطقی حملیه باعتبار کیف تقسیم میشود به موجبه و سالبه و هر یک از آن دو، باعتبار محمول تقسیم میشود به محصله المحمول، معدوله المحمول و سالبه المحمول. اما در چگونگی ساختار و نیز مفاد آنها میان فلاسفه و منطقدانان اختلاف نظر جدی وجود دارد که قابل تحقیق است. درباره تعداد اجزاء مقوم حقیقت قضیه و اجزاء خارج از حقیقت قضیه که لازمه تحقق آن هستند نیز نظر واحدی وجود ندارد. تعداد اجزاء قضیه بحسب اختلاف هلیات بسیطه و هلیات مرکبه موجبه و سالبه مشخص میشود. درباره نسبت حکمیه نیز برخی معتقدند در همه قضایا - چه موجبه و چه سالبه - نسبت، ثبوتی و وجودی است ولی بعقیده برخی دیگر، این نسبت تنها در قضایای موجبه، ثبوتی است و در قضایای سالبه، سلبی و عدمی است. افزون بر این، مشروط یا غیر مشروط بودن تحقق موجبه معدوله نیز مطرح شده و قضیه سالبه المحمول نیز مورد مناقشه قرار گرفته است. ساختار قضیه سالبه المحمول در صورت ملفوظ، همانند قضیه سالبه محصله است اما در مفاد و مدلول، متفاوت است. مفاد قضیه سالبه

محصله، رفع و قطع حکم ایجاب است ولی مفاد سالبه المحمول ایجاب سلب است. این نوع قضیه را خواجه نصیرالدین طوسی و از معاصرین، علامه طباطبایی بعنوان یک قضیه منطقی قبول ندارند.

کلیدواژگان: موضوع، محمول، قضیه معدوله المحمول، سالبه المحمول، نسبت حکمیه، حکم.

### مقدمه

منطق در واقع دانش شناسایی و روش درست اندیشیدن است. بعبارت دیگر، قانونی علمی است که انسان با رعایت آن از خطا و لغزش در اندیشه مصون میماند. شیوه اندیشیدن در منطق ارسطویی در دو ساحت صورتبندی شده است؛ یکی منطق تعریفات و دیگری حجّت و استدلال. در بخش اول، از انواع مفاهیمی بحث میشود که در معرفی اشیاء بگونه‌ی نقش دارند که در اصطلاح به آنها «قول شارح» گفته میشود. اما در بخش دوم، بعنوان مقدمه حجّت و استدلال، از قضایا و مفاهیم مرکب اسنادی بحث میشود، چراکه

(۱). دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، (عضو هیئت تحریریه خردنامه صدر)، mmohammadi@kiau.ac.ir